

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نوزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲ Scopus

صص ۲۷۲-۲۴۱

نقش پروژه گاپ در هیدروپلیتیک حوضه آبریز رودخانه‌های دجله و فرات

دکتر یاشار ذکی - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دکتر محمدصادق طالبی* - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه میبد، یزد، ایران.

دکتر مرجان بدیعی ازندهای - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

محمد یوسفی شاتوری - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷

DOR:20.1001.1.17354331.1402.19.71.9.4

چکیده

امروزه آب به منزله بقا و راه دستیابی به قدرت تلقی می‌شود. کشورهای بالادست رودخانه‌های بین‌المللی به فکر مدیریت آب‌هایی هستند که از خاک آن‌ها خارج می‌شود که پروژه گاپ در ترکیه نمونه‌ای از این اقدامات می‌باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و منابع اسنادی و کتابخانه در پی پاسخ به این سوال است که نقش پروژه گاپ در هیدروپلیتیک حوضه رودخانه‌های دجله و فرات چیست و استراتژی ترکیه از اجرای این طرح چیست؟ نتایج مطالعه حاضر بر پایه رویکرد نظری هیدرورنالسیستی نشان می‌دهد که ترکیه به‌عنوان کشوری هیدروهمژمون در بالادست دو رودخانه فرامرزی دجله و فرات و با بکارگیری استراتژی یک‌جانبه‌گرا (خودتفسیری) در الگوی روابط هیدروپلیتیکی با سایر کشورهای حوضه باعث شده تا چالش‌های هیدروپلیتیکی گوناگونی در ابعاد مختلف زیست‌محیطی و اجتماعی - اقتصادی متوجه کشورهای پائین‌دست شود. لذا، تقویت دیپلماسی آب با رویکرد مصالحت‌آمیز در روابط هیدروپلیتیکی کشورهای منطقه، تغییر نگرش نظامی و امنیتی به موقعیت رودخانه‌های دجله و فرات به نگرش تعاملی و همکاری، اصلاح و توسعه روابط هیدروپلیتیکی کشورهای حوضه برای مذاکرات دو یا چندجانبه، تشکیل شورای هماهنگی حقوق آب در منطقه از مهم‌ترین راهکارها در این مطالعه می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: هیدروپلیتیک، حوضه آبریز دجله و فرات، GAP، هیدروهمژمون، هیدرورنالسیسم.

۱. مقدمه

در قاره آسیا با وجود این که مسیرهای آبی فرامرزی بیشترین استفاده را دارند و مدیریت آب‌های مشترک منطقه‌ای بر اساس معاهدات بین‌المللی صورت می‌گیرد؛ لذا همکاری در میان چنین حوضه‌هایی وسیعی که با تنوع سیاسی و اقتصادی منافع روبه‌رو هستند، به‌عنوان یک چالش واقعی محسوب می‌شود (Wouters, 2013:9). امروزه رودخانه‌های فرامرزی به‌عنوان منبعی بالقوه برای کانون تنش‌ها و حتی جنگ‌های آینده در عرصه روابط بین‌الملل شکل گرفته‌اند. کوفی عنان، دبیر کل اسبق سازمان ملل می‌گوید: «رقابت افسارگسیخته بر روی منابع آبی مشترک می‌تواند منبع بالقوه بحران و جنگ در آینده باشد» (Rad Goodarzi and Safari, 2017:90). همین‌طور پطروس غالی، دبیر کل سازمان ملل متحد گفته که «جنگ بعدی در خاورمیانه در مورد سیاست نیست بلکه بر سر آب خواهد بود» (Al-Ansari, 2016:141).

در بسیاری از حوضه رودخانه‌های فرامرزی، آب با سیاست پیوند خورده و تأمین آب به‌عنوان ابزاری جهت نیل به قدرت مورد استفاده قرار می‌گیرد. به‌گونه‌ای که آب، محور ایجاد تهدیدات و فرصت‌ها بوده و در مناسبات قدرت از همکاری تا جنگ در میان ذی‌مدخلان نقش بازی کرده است. در روابط میان سه کشور ترکیه، سوریه و عراق آب به‌عنوان عاملی برای قدرت جهت همگرایی و تنش بروز کرده و منابع آبی مشترک میان این سه کشور طیف گسترده‌ای از همکاری‌ها تا ناسازگاری و جنگ را در بر گرفته است. رفتار ترکیه به‌عنوان هژمون در بالادست دو کشور سوریه و عراق تلاش کرده تا با اقدام به ساخت پروژه‌های عظیم سدسازی، آب را در پشت سدهای خود هدایت کند. به‌گونه‌ای که بتواند در آینده نزدیک بر دو کشور پائین‌دست خود (عراق و سوریه) موضع برتری نشان دهد و آن‌ها را دچار آسیب کند. اهدافی که ترکیه از این پروژه عظیم آبی (GAP) دارد، شامل اهداف اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و حتی اجتماعی بوده که درصدد آن است تا بتواند بر حس ناسیونالیسم محلی که اقلیت کردها با نام P.K.K در پیش گرفته‌اند، غلبه کرده و امنیت ملی خود را ارتقاء دهد. همچنین ترکیه سعی کرده تا با استفاده از ابزار قدرت آبی که به‌دست آورده، وزن ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و بین‌المللی خودش را افزایش دهد. در حال حاضر، ترکیه با بهره‌برداری از پروژه گاپ و سد ایلیسو، دو کشور سوریه و عراق را با آسیب‌ها و

چالش‌های هیدروپلیتیک زیادی چون ریزگردها، مهاجرت، بیکاری، تنش‌ها و چالش‌های داخلی روبرو کرده و بسیاری از تالاب‌ها را در عراق رو به نابودی کشانده است. ترکیه در نظر دارد تا در آینده نزدیک در قالب همین پروژه با فروش آب به همسایه‌های عربی خود از طریق خطوط لوله صلح، نفت خود را به صورت مجانی تأمین نماید. بنابراین، به نظر می‌رسد که ترکیه با هدف سیادت‌طلبی و هیدروهمژمونی خود در بالادست دو رودخانه دجله و فرات تا حدودی به اهداف خود واقعیت بخشیده است. بدین ترتیب، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش پروژه گاپ در هیدروپلیتیک حوضه رودخانه‌های فرامرزی دجله و فرات و با رویکرد نظری هیدرورنالیسم با تأکید بر هیدروهمژمونی، ضمن واکاوی الگوی روابط هیدروپلیتیک و هیدروهمژمونیکی سیاست‌های دوسویه کشورهای این حوضه، استراتژی ترکیه را در قالب این پروژه تبیین نماید و در گام بعد، با توجه به اهمیت سد ایلسو در روابط هیدروپلیتیک کشورهای حوضه آن را مورد واکاوی قرار می‌دهد.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف و کیفیت جزو تحقیقات کاربردی است و از طریق اسناد و اطلاعات کتابخانه‌ای به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. پژوهش حاضر سعی دارد با محور قرار دادن هیدروهمژمونیکی ترکیه در حوضه دو رود دجله و فرات الگوی روابط هیدروپلیتیک ناشی از پروژه گاپ را از یک طرف و نیز استراتژی ترکیه از اجرای این طرح را بشناساند. همچنین این مقاله تلاش می‌کند تا در این راستا برای رفع چالش‌های هیدروپلیتیک به وجود آمده در این حوضه پیشنهاداتی را ارائه دهد.

۳. پیشینه پژوهش

با نگاهی به تحقیقات پیشین مشاهده می‌شود که مطالعات صورت گرفته در زمینه هیدروپلیتیک پروژه گاپ در حوضه رودخانه‌های فرامرزی دجله و فرات بسیار غنی نبوده است. بنابراین در بررسی‌های انجام شده، مهم‌ترین مطالعاتی که در این زمینه وجود دارد به برخی از آنها در زیر اشاره شده و در گام بعد وجه تمایز مطالعه حاضر با آثار دیگر توضیح داده شده است.

جدول (۱): مهم ترین مطالعات صورت گرفته پیشین دربارهٔ هیدروپلیتیک گاپ در حوضهٔ دجله و فرات

ردیف	نام اثر	هستهٔ اصلی بحث
۱	مقاله: تأثیرات طرح راهبردی آناتولی جنوب شرقی ترکیه (GAP) بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (علی فرهادی، ۱۳۹۹)	با اتمام اجرای پروژه گاپ در جنوب شرق آناتولی، امنیت زیست محیطی مناطق جنوب غربی ایران با مخاطره رو به رو خواهد شد (ریزگردها) و نیز توازن اقتصادی به نفع ترکیه تغییر شکل می یابد و نیز بر ابعاد اجتماعی (بیکاری و مهاجرت) اثر گذاشته و در نهایت ترکیه نیز به برتری ژئوپلیتیکی دست می یابد.
۲	مقاله: هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تأثیر آن بر امنیت زیست محیطی عراق و سوریه (یاشار ذکی و سیدسروش اسداللهی، ۱۳۹۹)	پروژه جنوب شرق آناتولی (GAP) با کاهش میزان منابع آب در کشورهای عراق و سوریه موجب شده تا صدمات بسیاری بر امنیت زیست محیطی این کشورها وارد شود و به تبع آن نیز پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نابسامانی را برای این دو کشور به وجود آورده است.
۳	رساله: تأثیر مناسبات هیدروپلیتیک کشورهای پیرامونی حوضهٔ دجله و فرات بر امنیت جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی پروژه گاپ (رشیدی نیا، ۱۳۹۸، دانشگاه خوارزمی)	بازتاب مناسبات هیدروپلیتیک کشورهای حوضهٔ دجله و فرات بر پایه پروژه گاپ در شکل گیری تهدید امنیت نواحی جنوب غرب ایران نمود یافته و تشدید شده است؛ زیرا پیامدهای ناشی از این پروژه به دست ترکیه بر تهدیدات امنیت زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جنوب غرب ایران تأثیر گذاشته است.
۴	مقاله: در هم تنیدگی آب، سیاست و محیط زیست در حوضهٔ آبریز دجله و فرات (حجت میان آبادی و همکاران، ۱۳۹۸)	در این حوضه پیچیدگی های موجود موجب شده تا آب و سیاست با مسائل زیست محیطی پیوند بخورد که در نهایت منجر به ایجاد اثرات و پیامدهای گوناگونی شده است و بر دامنه نگرانی ها در منطقه دجله و فرات افزوده است که در آینده ممکن است به فاز نظامی کشیده شود.
۵	مقاله: پروژه آناتولی جنوب شرقی در بستر بحران هویت ملی ترکیه (اعظم محمدی خسروی و همکاران، ۱۳۹۹)	ترکیه سعی کرده تا با استفاده از پروژه گاپ روش هایی را برای همگون سازی ملت ترکیه به ویژه مردم کُرد منطقه (P.K.K) برآمده و به دنبال بهبود شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه کردی بوده است. اما پروژه گاپ تاکنون نتوانسته است بحران هویت ملی از یک طرف و مسأله کردی را در جنوب شرق آناتولی از سوی دیگر حل کند.
۶	مقاله: تحلیل فضایی هیدروپلیتیک حوضهٔ دجله و فرات (حمیدرضا محمدی و همکاران، ۱۳۹۱)	این حوضه تحت تأثیر دستاوردهای امنیتی هر کدام از کشورهای حوضه بوده و بر پیچیدگی تقسیم آب و چالش های سیاسی و امنیتی ناشی از آن بر مناسبات سه کشور تأثیر گذاشته است.

با بررسی مطالعات صورت گرفته فوق، علی رغم این که منابع بسیار اندکی در رابطه با هیدروپلیتیک پروژه گاپ در حوضهٔ دجله و فرات وجود دارد، مشخص می شود که تاکنون

مطالعه خاصی که بتواند به‌طور اساسی و بر پایه رویکرد نظری هیدرورئالیسم با تأکید بر هیدروهمژمونی ترکیه را بررسی کند، وجود نداشته است. بنابراین، وجه تمایز این مطالعه با مطالعات پیشین صورت گرفته در همین رویکرد به‌کار رفته می‌باشد که مقاله حاضر سعی دارد تا زمینه را برای تحقیقات بعد فراهم کند. تحلیل روابط و مناسبات هیدروپلیتیکی حوضه مزبور با رویکرد نظری هیدرورئالیستی، فی‌الواقع نوآوری و بداعت پژوهش حاضر با آثار قبلی محسوب می‌شود.

۴. چارچوب نظری

۴-۱. هیدرورئالیسم

رئالیسم، یکی از نظریه‌های زیربنایی در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود و به‌عنوان یکی از مکاتب فلسفه سیاسی مبتنی بر روابط رقابتی و تقابلی در طول تاریخ بشری نقش آفرینی کرده است (Lomia, 2020: 591). این نظریه که اصالت را به واقعیت‌های موجود می‌دهد، بهتر از دیگر نظریه‌ها توان تبیین معادلات ژئوپلیتیک مبتنی بر قدرت را به‌خصوص در فضاهای پر آشوب جهان دارا می‌باشد. رئالیسم به‌عنوان کهن‌ترین نظریه روابط بین‌الملل در طول حیات خود و با توجه به تغییر و تحولات نظام بین‌الملل همواره سعی در انطباق خود با شرایط جدید کرده است و پدیده‌های نوظهور در روابط ژئوپلیتیکی بین کشورها را پوشش داده است (Konyshev, 2020: 94). مبانی و مفروضات فلسفی رئالیسم بر تعارض و رقابت در عرصه نظام بین‌الملل تأکید دارد و معتقد است که همکاری بین کشورها تنها زمانی امکان‌پذیر است که به تأمین منافع ملی و امنیت ملی کمک کند و روابط بین دولت‌ها متأثر از قدرت نظامی و منابع طبیعی است (Beer and Hariman, 2012: 1). برخلاف رئالیست‌های کلاسیک که بر سرشت و ذات قدرت طلب انسان تأکید می‌کنند؛ نئورئالیست‌ها بر این باورند که سرشت و ذات انسان ارتباط اندکی با قدرت طلبی کشورها دارد. آنان در مقابل، استدلال می‌کنند که ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل است که کشورها را وادار می‌دارد تا در پی کسب قدرت برآیند. وقتی تصمیم‌گیرندگان یک کشور تصور می‌کنند که توانایی و قدرت نسبی‌شان افزایش یافته است، درصدد افزایش و نفوذ و کنترل خود بر مکان‌ها و فضاها برمی‌آیند. به‌طوری که در صورت تصور افزایش قدرت، کشورها حتی در

شرایط احساس امنیت نسبی راهبردهای تجاوزکارانه و توسعه طلبانه اتخاذ کرده و به بیشینه سازی قدرت و منفعت دست می زنند (Moshirzadeh and Talebi Arani, 2011:49). هدف نهایی کشورها در شرایط آنارشی، دستیابی به وضعیتی هژمونی در مقیاس های جغرافیایی است. امنیت و بقا در درون نظام بین الملل هرگز قطعی نیست و دولت ها می کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را به حداکثر برسانند. رئالیسم، ذات انسان را موجودی شر دانسته و مقیاس فضایی - مکانی خود را مبتنی بر مقیاس ملی، منافع ملی و همچنین رقابت حکومت ها بر سر کسب قدرت در نظر می گیرد و کنش گران اصلی نظام بین الملل را «دولت ها» می داند. این رویکرد فلسفی مبتنی بر عینیات و پدیده های مشاهده ای بوده و قراردادهای و پیمان نامه های دوجانبه و چندجانبه را بی اهمیت جلوه می دهد. به باور این مکتب، عامل اساسی ثبات در نظام بین الملل موازنه قدرت یا موازنه تهدید و سیاست های معطوف به حفظ این موازنه ها است. منابع در چارچوب نظریه رئالیسم با توجه به این که با قدرت، پیوند ارگانیک دارد، دارای اهمیت گسترده است. یکی از این منابع قدرت ساز، «منابع آب» است. پارامترهای توزیع ناهمسان در مکان های جغرافیایی، افزایش جمعیت، افزایش تقاضا و کاهش عرضه، اهمیت آن در صنعت، امنیت غذایی و شرب و نظایر آن، آب را به کالایی امنیتی و سیاسی تبدیل کرده است که با گذر زمان بر اهمیت آن افزوده می شود و بیشتر چالش ها و حتی جنگ ها در آینده بر سر منابع آب خواهد بود که به نظریه «جنگ آب» معروف است (Mianabadi and Ghoreishi, 2022:157) یکی از رویکردهای نظری برای تحلیل هیدروپلیتیک رودخانه های مرزی، هیدرورئالیسم یا هیدروپلیتیک مبتنی بر رویکرد رئالیسم است (Zeitoun, 2006:452). در رئالیسم، موازنه قدرت نیازمند استفاده حداکثری از منابع قدرت ساز به ویژه رودخانه های مرزی مشترک است تا از آن طریق با افزایش قدرت ملی، راه افزایش قدرت رقیب نیز سلب گردد. رودخانه های بین المللی از جغرافیای سیاسی کشورها پیروی نمی کند و با توجه به اهمیت منابع آب، یکی از عناصر اصلی تنش بین حکومت ها در حال و آینده محسوب می شود. رودخانه های مرزی یکی از عناصر قدرت ساز و موازنه دهنده قدرت برای حکومت ها تلقی شده و با توجه به اهمیت روزافزون منابع آب، منازعه در رودخانه های بین المللی از منظر هیدرورئالیسم ادامه خواهد داشت

و حکومت‌ها به آسانی به سمت هیدروپلیتیک مثبت و همکاری در زمینه منابع آب مشترک گام برنخواهند داشت. رقبا جهت تحمیل ضربه به ساختارهای همدیگر و خارج کردن ساختارها از تعادل از عنصر آب در معادلات سیاسی بهره می‌گیرند. حکومت‌ها بر سر بهره‌برداری از منابع آب برای افزایش قدرت با همدیگر در رقابت هستند و در کنار آن بر سر کاهش قدرت همدیگر نیز رقابت می‌کنند. پس هر عاملی که تضعیف‌کننده قدرت ملی رقیب باشد از آن عامل بهره گرفته می‌شود تا ساختار قدرت رقیب از حالت طبیعی خارج شده و به سوی اهداف پیش‌بینی شده سوق داده شود. در نظام ژئوپلیتیک جهانی با توجه به پیچیده‌شدن مقوله امنیت و اقتصاد بر اساس پارادایم فکری رئالیسم و تنش بر سر کسب قدرت و امنیت مبتنی بر اصل موازنه قوا بین دولت‌ها، رقابت برای تسلط بر منابع آب رو به افزایش است، در نتیجه عنصر آب با رویکرد هیدرورئالیسمی، دارای اهمیت کلان در معادلات امنیتی سیاسی محسوب شده و محدود کردن منابع آب هر کشوری ضربه زدن به قدرت ملی، اقتدار ملی، امنیت ملی و وزن ژئوپلیتیکی آن کشور است. از طرف دیگر بهره‌برداری از منابع آب در رودخانه‌های مرزی باعث توسعه و آبادانی و در نتیجه انباشت قدرت برای چانه‌زنی بیشتر در معادلات سیاسی بین دولت‌ها و به‌طور کلی موازنه قوا خواهد شود. هیدرورئالیسم، دارای سه بعد؛ کنترل آب‌های مشترک بین کشورها، چالش‌های آبی در رودخانه‌های مرزی مشترک و سپس جنگ بر سر منابع آب است. اولین ویژگی منابع آب شیرین که منجر به درگیری و تنش می‌شود، کمبود کمی و کیفی منابع آب است. منابع آب از نظر مکانی و زمانی به‌طور نابرابر توزیع شده است. تقریباً ۶۰ درصد از آب شیرین قابل دسترسی در کمتر از ۱۰ کشور واقع شده است. به‌عبارت دیگر برخی از مناطق از منابع آب اشباع هستند، در حالی‌که در برخی مناطق دیگر کمبود شدید آب دارند. با توجه به اهمیت حیاتی آب شیرین برای همه مصارف در جامعه، استدلال می‌شود که رقابت بر سر کمبود فیزیکی آب منجر به درگیری بین دولت‌ها می‌شود. مفهوم قدرت یکی از عوامل تعیین‌کننده در روابط کشورها در مورد آب‌های فرامرزی است. اهمیت قدرت نسبی و پیکربندی قدرت بین کشورها با رودخانه‌های مرزی مشترک به روابط متعارض مبتنی بر رهیافت‌های هیدروپاور و هیدورژئومون جهت می‌دهد. یک کشور ممکن است اقدامات کشور همسایه را در مورد کنترل

منابع آب به‌عنوان یک سلاح یا یک کارت سیاسی علیه منافع خودش تفسیر کند (Conker, 2014:34). در این میان کشورها از منظر مکتب هیدرورئالیسم و در ارتباط با قدرت از دو الگو بهره‌برداری می‌کنند: در الگوی نخست توازن وحشت برقرار خواهد شد و بازیگران از طریق تهدید به انسداد مسیر رودخانه‌های مرزی رقیب را تهدید می‌کنند تا در راستای منافع آن‌ها به سیاست‌های خود شکل دهند. در الگوی بعدی کشورها در راستای ایجاد توازن قدرت و برای رسیدن به اهداف ژئوپلیتیکی، بازیگران سیاسی از طریق منابع آب قدرت خود را ارتقا می‌دهند تا توانایی چانه‌زنی بیشتری در معادلات سیاسی و ژئوپلیتیکی داشته باشند.

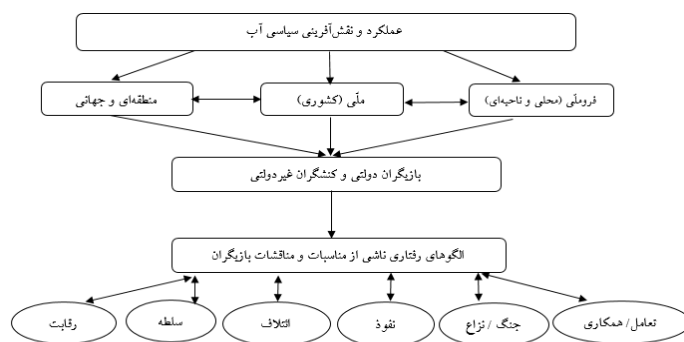
۴-۲. قلمرو معرفتی هیدروپلیتیک

در این اصطلاح، آب به شکل آشکاری وارد عرصه سیاست بین‌المللی شده و توانسته موضوعات آب را به سطوح مقیاس‌های فراملی و جهانی بکشد. به‌عبارتی، این دانش نقش آب را در روابط میان دولت‌ها و ملت‌ها بر سر دستیابی و تصاحب آن بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کند (Ezzati and Others, 2011:96). در پژوهش‌های هیدروپلیتیکی از مجموعه‌ای از نظریه‌های علوم سیاسی (عمدتاً روابط بین‌الملل، سیاست عمومی، اقتصاد سیاسی و بوم‌شناسی سیاسی)، علوم جغرافیایی و گرایش‌های متعدد آن، حقوق (به‌ویژه حقوق بین‌الملل آب و عدالت زیست‌محیطی) و علم و مطالعات فناوری استفاده شده است. بنابراین، با بررسی یک پیشینه نظری گسترده، محققان هیدروپلیتیک به بسیاری از سوال‌های پیچیده در دهه‌های گذشته پرداخته‌اند. آیا آب‌های فرامرزی منبع درگیری یا همکاری هستند؟ پاسخ به بحث درگیری و همکاری در این گونه رودخانه‌ها در طول زمان دستخوش تغییر شده است. لذا، می‌توان این توضیحات را در قالب همکاری یا تضاد به سه دسته تقسیم کرد که عبارتند از: ۱. آب فرامرزی به‌عنوان یک محرک تعارض؛ ۲. آب فرامرزی به‌عنوان محرک همکاری؛ ۳. آب فرامرزی به‌عنوان محرک مناقشه و همکاری (Brethaut and et al, 2021:3-4). در موج بعدی، محققان با تغییر درک مناقشه و همکاری آب‌های فرامرزی، تعاملات بر سر منابع آب‌های فرامرزی را پیچیده تلقی کرده‌اند و پویایی آن را با تنش‌های سیاسی متعددی در سطوح اقدامات سیاسی چندگانه تعبیه شده در نظام‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی درهم تنیده می‌دانند. از آنجا که

گفتمان‌ها می‌توانند روابط قدرت بین بازیگران یک حوضه مشترک و بین‌المللی را آشکار کنند، (Allouche, 2020: 287) «تعاملات آبی سیاسی، به یک معنا، می‌تواند به عنوان میدان جنگ برای ایده‌ها و قدرت باشد». بنابراین، بررسی و چگونگی گفتمان‌های ساخته شده و مستقر شده، توسط چه کسی، به درک پیچیدگی فرامرزی فعل و انفعالات آب کمک می‌کند. بدین ترتیب، با گسترش قلمرو مطالعات هیدروپلیتیک راه‌های جدیدی به سمت سوال ظاهراً ساده اما پیچیده باز شده است که آیا آب‌های فرامرزی منبع درگیری یا همکاری هستند؟ بنابراین، با ارائه یک رویکرد دوگانه و چندلایه به هیدروپلیتیک درک دقیق‌تری از ماهیت آب و فعل و انفعالات آب‌های فرامرزی ارائه می‌دهد (Brethaut and et al, 2021: 4). این واژه برای اولین بار توسط جان واتربری¹ در سال ۱۹۷۹ م. در کتاب «هیدروپلیتیک دره رود نیل» استفاده شد (Moradi Tadi, 2017: 73-74). با توجه به این‌که امروزه منابع آب در سطح جهان کم شده و نیاز مردم دنیا به آب بیشتر شده است، دسترسی به این ذخایر غیرقابل جایگزین، امری حیاتی محسوب می‌شود و در چنین شرایطی است که آب با مقوله سیاست و امنیت گره می‌خورد (Sinaye, 2011: 188). بنابراین، حاکمیت بر منابع آب‌های جهان به عنوان یک امر مهم ژئوپلیتیکی درآمده که توانسته است میان کشورهای پائین دست حوضه و بالادست آن در برخی مواقع در نتیجه رقابت، جنگ و تهدید مانند حوضه دجله و فرات و گاهی منجر به همگرایی و صلح در یک حوضه مانند رودخانه دانوب گردد. با این وجود، با توجه به اهمیت منابع آب‌های سطحی و زیرسطحی و افزایش رشد جمعیت و تقاضای زیاد برای مصرف آب بیشتر باعث شده تا اهمیت منابع آب در سطح کل جهان نسبت به گذشته بیشتر آشکار شود. یقیناً این مسأله می‌تواند توجه به اهمیت آب در سرنوشت انسان‌ها و جوامع انسانی را به خود معطوف سازد. در اینجا ضروری است به برخی از تعاریف درباره هیدروپلیتیک پرداخته شود. حافظ‌نیا، عنوان می‌کند که «ژئوپلیتیک آب به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد. اعم از آن که در داخل کشورها و یا بین آن‌ها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد» (Hafeznia, 2014: 102).

1. John Waterbury

کاویانی‌راد از هیدروپلیتیک به‌عنوان دانشی یاد می‌کند که با توجه به ثابت بودن میزان آب شیرین و ابعاد فزاینده مصرف آن به مطالعه برهمکنش واحدهای سیاسی در سطوح محلی، منطقه‌ای و کروی درباره منابع آب شیرین می‌پردازد (Kaviani Rad, 2005: 339). مجتهدزاده از هیدروپلیتیک به‌عنوان دانش مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از آب در شکل‌گیری‌های سیاسی و روابط میان دولت‌ها با یکدیگر و روابط میان دولت‌ها و مردم حتی در یک کشور می‌پردازد. کمبود آب یا اجازه عبور از مرزهای بین‌المللی به‌گونه روزافزون در روابط سیاسی دولت‌ها و روابط کشورها با یکدیگر اثر می‌گذارد (Mojtahedzadeh, 2002: 131). میسینر در تعریف خود از هیدروپلیتیک بر چهار مورد اشاره می‌کند که بررسی ارتباط متقابل میان بازیگران دولتی و غیردولتی، تأکید بر بازیگران و نهادهای درون و بیرون دولت‌ها، تلاش در جهت استفاده انحصاری از آب و اعمال حاکمیت‌های گوناگون بر روی رودهایی که هم جنبه ملی و هم جنبه بین‌المللی دارند، می‌توان اشاره کرد (Turton, 2001: 15-16). آرون‌پی. الهانس می‌گوید: هیدروپلیتیک، مطالعه ستیز یا همکاری میان ملت‌ها بر سر تقسیم آب شیرین است (Elhances, 2000: 201-222). نگارندگان بر اساس تعریفی که از هیدروپلیتیک دارند آن را علمی می‌دانند که به بررسی و تحلیل منابع آب‌هایی می‌پردازد که میان کشورها، نظام‌های سکونتگاهی و اجتماعات انسانی، مشترک می‌باشد که الگوهای رفتاری بازیگران دولتی و کنشگران غیردولتی را در روابط دو یا چندجانبه و در سطوح مقیاس‌های مختلف منطقه‌ای و جهانی، ملی و حتی فروملی شکل می‌دهد.



شکل (۱): نمودار مدل مفهومی از قلمرو معرفتی هیدروپلیتیک

هیدروپلیتیک را می‌توان در سطوح مقیاس‌های مختلفی بررسی و مطالعه کرد که در هر سطح به بررسی منابع آبهایی می‌پردازد که منجر به تنش و یا تهدید میان دولت‌ها و ملت‌ها شده است (Moliniga, 2001: 733-734). در رویکردهای گوناگونی که درباره هیدروپلیتیک وجود دارد، بیشتر بر عواملی مانند درگیری و همکاری، بازیگری دولت‌ها و حضور در حوضه‌های آبریز بین‌المللی تأکید شده (Abdi, 2008: 102) و سپس می‌توان این شاخه از علم جغرافیای سیاسی را در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد مطالعه قرار داد. در مقیاس محلی، مناسبات و مناقشاتی را که در سطح خرد یا محلی رخ می‌دهد، بررسی می‌کند. در مقیاس ملی، گستره و قلمرو جغرافیایی مناقشات و مناسبات هیدروپلیتیکی وسیع‌تر از مقیاس محلی می‌باشد. در این مقیاس، تأثیرات مثبت و منفی و تنش‌های اجتماعی - سیاسی احتمالی ناشی از سیاست‌های آبی حکومت‌ها و دستگاه‌های دولتی در خصوص مدیریت آب در داخل کشورها نظیر احداث سدها و انتقال آب از حوضه‌ای به حوضه دیگر بررسی می‌شود. در این مقیاس، دامنه هیدروپلیتیک نمود بیشتری دارد به گونه‌ای که سیاست کشورها را در رابطه با یکدیگر درباره کنترل و کیفیت منابع آب‌ها مطالعه و بررسی می‌کند. هیدروپلیتیک در مقیاس جهانی به مناسبات و مناقشات آبی میان کشورها در مقیاس کلان بین‌المللی می‌پردازد. در این مقیاس، چارچوب مذاکره و مباحث کلان در کنفرانس‌های بین‌المللی در مورد آب و فرموله کردن قوانین بین‌المللی در این خصوص است. مانند کنفرانس بین‌المللی «آب و طبیعت» که در سال ۱۹۹۲ م. در دوبلین برگزار شد (Heshi, 2013: 54-57; Mokhtar Heshi and Ghaderi Hajat, 2008: 42-43).

(Mokhtari).

۳-۴. هیدروهمژمونی^۱

هیدروهمژمونی، یکی از مفاهیم پایه‌ای علم هیدروپلیتیک محسوب می‌شود. این اصطلاح به «وضعیتی» اطلاق می‌شود که در آن کشوری که از درجه قدرت بیشتری برخوردار است و می‌خواهد بر اساس وضعیت خود از منابع آب بیشتری استفاده نماید. این موضوع بیشتر مربوط به قدرت سیاسی و اقتصادی یک کشور است تا صرفاً موقعیت بالادستی آن. در یک حوضه

آبریز مشترک، کشور هیدروهمون، کشوری است که کنترل‌کننده نحوه بهره‌برداری از منابع آب مشترک باشد. هیدروهمون‌ها دارای اشکال متفاوتی هستند که مشخص شدن آن‌ها تنها به فعالیت خود کشور هیدروهمون و یا سایر کشورهای غیرهیدروهمون و بنا به تعبیری ضدهیدروهمون بستگی دارد. بنابراین، کشور هیدروهمون به‌عنوان یک قدرت برتر می‌تواند به‌گونه‌ای عمل کند یا سایر کشورهای ذی‌مدخل را وادار سازد تا زیر سلطه و سیادت یا تحت رهبری او باشند. با توجه به این موضوع کشورهایی که در نوع اول به‌سر می‌برند، می‌توانند به استراتژی ضدهمونی بر پایه قدرت چانه‌زنی روی آورند تا با استفاده از آن بازیگران صحنه رقابت فضای بیشتری را برای مذاکره ایجاد کنند. از مهم‌ترین اقدامات می‌توان به استفاده از قوانین بین‌المللی، اصول اخلاقی، امنیت‌زایی و مذاکره اشاره کرد که کشورهای غیرهیدروهمون می‌توانند در مقابل هیدروهمون منفی به‌کار گیرند و نوع هیدروهمون حوضه خود را به‌شکل مثبت (رهبری) تغییر دهند (Ghoreshi and et al, 2019:254). هیدروپلیتیسین‌ها زمانی از این واژه استفاده می‌کنند که یک کشور قدرتمند به سهم خود از مقدار آبی که دارد، قانع نباشد و با انجام برخی از اقدامات نظیر انحراف آب، ایجاد سد، پمپاژ آب و هدایت آن به‌سوی خود آب بیشتری را مطالبه کند. لذا عدم تقارن قدرت سیاسی در بین کشورهای یک حوضه مشترک، نقش زیادی در بین مناسبات کشورهای این حوضه دارد (Mokhtar Heshi and Ghaderi Hajat, 2008:43; Zaki and et al, 2015:48 Warner and Zeitoun, 2008:805-806).

۴-۴. دیپلماسی آب

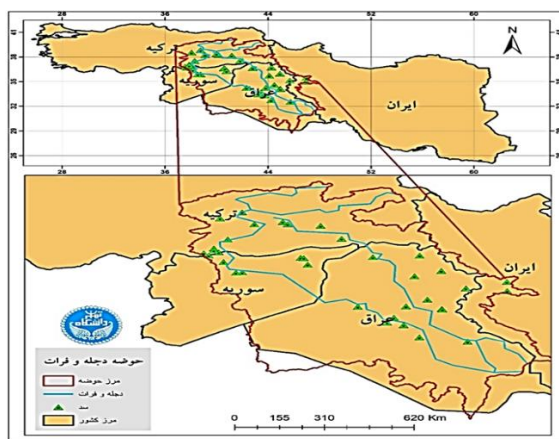
واژه دیپلماسی برای اولین بار توسط ادmond برک انگلیسی در سال ۱۷۹۷ م. به مفهوم امروزی آن استفاده شد که برخی از آن به‌عنوان یک گفتمان علمی و برخی از آن به هنر تعبیر کرده‌اند (Ghorbani Sepehr and et al, 2017:6). دیپلماسی هنر و فن‌سازش، همکاری و تعامل و روابط بین کشورها به منظور ایجاد یک گفتمان برای متقاعد کردن یک طرف یا طرف‌های متقابل می‌باشد. در تعریفی دیگر، به روشی که به دور از هر گونه خشونت و جنگ میان دولت‌ها با هدف دستیابی به منافع و ارزش‌های خود به‌منظور ایجاد، ارتقا و توسعه سطح موقعیت ژئوپلیتیکی و اقتصادی یک کشور در جهان اشاره دارد، دیپلماسی می‌گویند (Mohammadian

and Rezaei, 2016:107). همواره مسأله آب باید به یک گفتمان سیاسی میان کشورهای که دارای حوضه آبریز مشترک و یا دارای رودخانه مشترکی که مرز مشترک آن‌ها را تشکیل می‌دهد، تبدیل شود. دیپلماسی که دارای توان بالقوه برخورد و خشونت یا تفاهم بر سر آب‌های بین‌المللی است. این دیپلماسی باید میان کشورهایایی شکل بگیرد که دارای منافع مشترک آبی هستند و مایلند آب‌های مشترک خود را به نحوی مدیریت کنند که از نظر سیاسی یک وضعیّت مطلوب و پایداری میان آن‌ها ایجاد گردد. به گونه‌ای که بهره‌برداری از آب رودخانه از طرف حق‌آبه‌بران بدون منازعه و خشونت مورد استفاده قرار گیرد (Kamran and et al, 2017:325). از این رو دیپلماسی آب میان کشورها موضوعیّت و اهمیت پیدا می‌کند و همواره کشورها تلاش می‌کنند برای جلوگیری از هرگونه خشونت بتوانند از طریق یک گفتمان سیاسی در قالب دیپلماسی مسائل خود را در رابطه با منابع آبی مشترک با کشور مقابل برطرف سازند و همچنین باعث کاهش اختلافات و منازعات شوند (Sinye and Jamali, 2018:80).

۵. محدوده مورد مطالعه

حوضه آبریز دجله و فرات به‌عنوان یک حوضه فرامرزی مشترک میان سه کشور ترکیه، سوریه و عراق جزو آن دسته از منابع آب‌های فرامرزی بوده که مسائل مرتبط با آب و سیاست در آن برجسته است و در حال حاضر به‌طور جدی عنصر آب تعیین‌کننده وضعیّت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی این منطقه جغرافیایی است. این حوضه به‌عنوان بزرگ‌ترین و پرتنش‌ترین حوضه آبریز در منطقه غرب آسیا بوده که رقابت‌های ناحیه‌ای میان کشورهای این دو رودخانه از منظر سیاسی و امنیتی اهمیت ویژه‌ای دارد. در کنار مسائل هیدروپلیتیکی منطقه، مسائل دیگری چون بی‌ثباتی‌های سیاسی - اجتماعی، ظهور تروریست‌های دست‌نشانده چون داعش در عراق و سوریه توسط آمریکا و اسرائیل و سپس روابط متضاد سیاسی دولت‌های منطقه باعث شده تا تأثیرات مخرب و منفی را بر مدیریت و نظارت منابع آبی منطقه به‌ویژه در کشورهای عراق و سوریه بر جا بگذارد. از لحاظ جغرافیایی این دو رودخانه از جنوب شرق ترکیه نشأت می‌گیرند. فرات^۱ (بزرگ‌ترین رودخانه در منطقه غرب آسیا) از ترکیه به طول ۲۱۱۰ کیلومتر به سمت

سوریه و در نهایت عراق در جریان است. بیشتر شعبات فرات، مانند کاراسو و مراد در ترکیه قرار گرفته‌اند. در کل ۴۲۲ کیلومتر طول این رودخانه در ترکیه، ۴۷۵ کیلومتر آن در سوریه و ۱۲۱۳ کیلومتر آن در عراق جریان دارد (Karami and et al,2016:36). دجله^۱ از دیگر رودخانه‌های حوضه مذکور به شمار می‌رود که ترکیه سرچشمه می‌گیرد و پس از جریان خود به سمت سوریه مرز مشترکی را به طول ۳۲ کیلومتر میان آن‌ها تشکیل می‌دهد. این رودخانه پس از عبور از خط مرزی فوق به سمت عراق جریان می‌یابد و شعبات مختلفی نظیر زاب کوچک، زاب بزرگ، دیالی و ادھیم دریافت می‌دارد. این شعبات از ایران سرچشمه می‌گیرند. حوضه آبریز این رودخانه میان کشورهای ترکیه، سوریه و عراق و ایران مشترک است و به ترتیب ۱۲٪، ۲٪، ۵۲٪ و ۳۴٪ در خاک هر یک از کشورهای فوق قرار دارد (Hafeznia and et al,2017:860; Karami and et al,2016:36). موقعیت رودخانه‌های دجله و فرات به گونه‌ای هست که کم‌ترین سازگاری را با مرزهای ملی و ملاحظات و علایق سیاسی و نیز استراتژی کشورهای منطقه غرب آسیا دارد (Mohammadi and et al,2012:231).



شکل (۲): موقعیت حوضه آبریز دجله و فرات و سد‌های ساخته‌شده در کل حوضه
(Source: Darvishi Blourani,2018)

در بین کشورهای حوضه، ترکیه به لحاظ این که در قسمت علیای دو رودخانه قرار گرفته، نقش بازیگر اصلی را دارد. این کشور با توجه به وضعیت هیدروهمومونی خود که در منطقه غرب آسیا دارد، توانسته با انجام پروژه‌های عظیم آبی نظیر پروژه آناتولی جنوب شرق ترکیه (GAP) میزان آب ورودی دجله و فرات را به سمت کشورهای عراق و سوریه به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داده و باعث ایجاد تنش و منازعه در حوضه مذکور شده است.

جدول (۲): درصد و میزان مساحت حوضه دجله و فرات

کشور	مساحت از حوضه (کیلومتر مربع)	درصد از کل مساحت حوضه
عراق	۳۱۹۴۰۰	۴۰/۴۸
ترکیه	۱۹۵۷۰۰	۲۴/۸۰
ایران	۱۵۵۴۰۰	۱۹/۷۰
سوریه	۱۱۶۳۰۰	۱۴/۷۳
اردن	۲۰۰۰	۰/۲۵
عربستان	۸۰	۰/۰۱
مجموع مساحت حوضه (کیلومتر مربع)	۷۸۹۰۰۰	۱۰۰

(Source: Mianabadi and Amini, 2019:59)

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. الگوی همومونیک در حوضه آبریز دجله و فرات و هیدروهمومونی ترکیه

همومونی به عنوان یک استراتژی کنترل بوده که از نظر کیفی با سلطه متفاوت است. همومونی به عنوان پدیده لایه‌ای و چندسطحی است که از همومونی جهانی شروع می‌شود و به ترتیب به همومونی منطقه‌ای، همومونی حوضه رودخانه، روابط دولت و جامعه که تعاملات آن در سطوح مختلف به یکدیگر برخورد می‌کنند، شکل می‌گیرد (Warner, 2008: 271-272). به تصریح می‌توان اشاره نمود که در الگوی همومونیک، قدرت از عنصر مهم و از اجزای تعیین کننده برای اجرای سیاست‌ها و استراتژی‌ها به شمار می‌آید (Ghoreshi and et al, 2019: 242). بر این اساس در حوضه رودخانه‌های فرامرزی دجله و فرات، دولت ترکیه در برابر کشورهای پائین دست و

مخالفان اجتماعی محلی دارای قدرت نامتقارن است. بنابراین، توانایی شکل دادن به سیاست‌های حوضه را دارد (Warner, 2012: 231).

ترکیه سعی داشته تا با استفاده از هژمونی منطقه‌ای که کسب نموده، برتری و قدرت چانه‌زنی خود را نسبت عراق و سوریه افزایش دهد. بر این اساس، هیدروهژمونی عمدتاً (البته نه لزوماً) در سطح حوضه‌های رودخانه‌های بین‌المللی با تفکر در مورد هیدروپلیتیک پیوند خورده است. حوضه‌های آبریز، عرصه خاصی از روابط بین‌الملل هستند که در آن‌ها روابط بین دولت‌های همسایه به دلیل ابتکارات توسعه آب متشنج می‌شود. با این وجود، زمانی که کشور بالادست اقدام به شروع مهار رودخانه برای اهداف توسعه خود می‌کند، واحدهای پائین دست حوضه شروع به نگرانی در مورد توانایی بالادست برای «بستن شیر آب»، ایجاد کمبود و یا ایجاد سیلاب می‌کنند. بنابراین، آن‌ها ممکن است با ایجاد یک ائتلاف پیشگیرانه علیه دارنده قدرت برای جلوگیری از اهرم هیدروپلیتیک بالادست و ضررهای آینده ناشی از آن واکنش نشان دهند (Warner, 2008: 275). به عنوان نمونه به ائتلاف سوریه و عراق علیه ترکیه می‌توان اشاره نمود.

هژمون‌ها به دلیل موقعیت خود به عنوان کشور بالادست، آزادند تا بدون مشورت با افرادی که تحت تأثیر اقدامات آن‌ها هستند، هر اقدامی که می‌خواهد انجام دهند. اما زمانی که دولت بالادست یعنی ترکیه بدون مشورت با همسایه‌های پائین دست یعنی عراق و سوریه مداخله بزرگی مانند احداث سدها برای مهار آب در حوضه دجله و فرات انجام می‌دهد، اتهام هیدروهژمونی مورد انتظار است (Warner, 2008: 276). از آنجا که آب در حوضه دجله و فرات به عنوان یک قدرت محسوب می‌شود و جاه‌طلبی به منزله کنترل‌کننده منابع آب‌ها، لازمه ایجاد و توسعه طرح‌های آبی یک‌جانبه‌گرا در مقیاس گسترده برای تسلط و تصرف منابع آب می‌باشد (Mianabadi and Amini, 2019: 57)، ترکیه در علیای دو رودخانه دجله و فرات قابلیت آن را داشته تا از منابع آبی به عنوان ابزاری برای اجرای سیاست‌ها و الگوهای رفتاری خود بر کشورهای سفلی رودخانه‌ها (عراق و سوریه) استفاده کند. این کشور با ذخیره آب در پشت سدهای خود به دنبال سه مشخصه اصلی است که عبارتند از: ۱. در مقابل سایر بازیگران منطقه بتواند از قدرت نسبی بیشتری برخوردار شود؛ ۲. بتواند نقش رهبری و استیلا را برای اجرای

قوانین و سیاست‌های بین‌المللی در منطقه غرب آسیا به دست آورد ۳. از این طریق بتواند قدرت چانه‌زنی و وزن ژئوپلیتیکی خود را نسبت به همسایگان عرب پائین دست حوضه ارتقا دهد. بنابراین، با شکاف در هیدروپلیتیک حوضه مذکور به نظر می‌رسد که ترکیه قصد دارد تا به لحاظ موقعیت فرادستی در حوضه، برای خود حق مطلق تعیین کند. اما این تصمیم مورد رضایت و پذیرش دولت‌های پائین دست حوضه نمی‌باشد. بدین ترتیب با یک‌جانبه‌گرایی، دولت ترکیه به‌عنوان هیدروهمژمون در برابر دولت‌های سوریه و عراق سعی کرده تا با جمع‌آوری آب در پشت سدهای در حال احداث خود در منطقه جنوب شرق آناتولی بر روابط سیاسی سایر بازیگران منطقه تأثیر بگذارد. برای عملیاتی کردن این موضوع نخست ترکیه با رد بین‌المللی بودن دو رودخانه مذکور به صورت دو فاکتور سعی کرده تا حق‌آبه عراق و سوریه را تا حدود زیادی زیر پا گذارد. این کشور با اشاره به این که دو کشور همسایه جنوبی دچار یک سیستم ضعیف مدیریتی بر منابع آب‌های خود هستند؛ معتقد است که باید سیستم‌های آبیاری این کشورها اصلاح و درست مدیریت شود و بر شیوه مصرف بهینه تأکید دارد که باید خودش آن را تعیین کند و در این بین بر دیدگاه استفن مک‌کافری تأکید می‌کند که «احداث سد موجب تنظیم جریان منظم آب بر همسایگان می‌شود» (Mokhtar Heshi and Ghaderi Hajat, 2008:64). ترکیه پرآب‌ترین کشور در منطقه‌ای کم‌آب است و کاملاً واقف است که تنها کشوری است (به جز لبنان) که هم از مازاد آب قابل توجهی برخوردار است و هم ثبات سیاسی برای بهره‌برداری از آن دارد. این کشور بارها به کشورهای خارج از حوضه دجله و فرات پیشنهادهای مبنی بر ساخت لوله صلح برای تأمین آب کشورهای عربی خلیج فارس، سوریه، اسرائیل و فلسطین ارائه داده است. در سال ۱۹۸۷ م. ترکیه با پیشنهادی در ساخت خط لوله فوق در دو شاخه‌ای با هزینه ۲۰ میلیارد دلار برای تأمین آب کل منطقه داد که از شرق به منطقه خلیج فارس (حاشیه جنوبی خلیج فارس و شرق عربستان به طول ۳۹۰۰) و از غرب به اسرائیل و فلسطین (اردن، غرب عربستان سعودی و همچنین شهرهای مکه، جدّه و مدینه به طول ۲۶۵۰) منشعب می‌شد. اما این پیشنهاد، شاید به دلیل ترس از این که ممکن است یک «اسب تروای» سیاسی باشد و از نظر کیفیت و کمیت آب وابستگی و آسیب‌پذیری را ایجاد کند، دریافت‌کنندگان این پیشنهاد را به‌طور محترمانه رد

کردند (Warner,2008:281; Zaki and Asadollahi,2020:6; Murakami,1995:43-45) و از طرفی سعودی‌ها مدعی بودند که شیرین‌سازی آب یک راه‌حل ارزان‌تر و پایدارتری برای تأمین آب مورد نیاز آن‌ها است (Yildiz,2018:1-9).

ترکیه از طریق خط لوله صلح می‌خواهد اهدافی نظیر استیلا بر جهان عرب را عملی سازد و با فروش آب، نفت خود را با کم‌ترین قیمت حتی به‌صورت رایگان از اعراب تأمین کند. علاوه بر این، ترکیه سعی کرده تا با به‌کارگیری قاعده حاکمیت مطلق ملی به منظور حفظ منابع آب بیشتر برای رسیدن به منافع خود تأکید نماید؛ اما دو کشور پائین‌دست بر اصل استفاده مشترک کشورهای حوضه مشترک از منابع آب رودخانه‌های بین‌المللی تأکید می‌کنند. در حال حاضر ترکیه در حال اجرا و ساخت طرح‌ها و ایده‌های روشنی برای تأمین منابع آبی خود می‌باشد. این کشور از یک طرف، از آب به‌عنوان محور راهبردی توسعه بهره‌برداری می‌کند و درصدد است تا با کنترل منابع آب‌های خود و همچنین با اجرای برنامه‌های مرتبط با آب رشدی را که در صنعت و کشاورزی طی دو دهه گذشته مدنظر داشته را به‌دست آورد و از طرف دیگر، تأمین امنیت و ثبات و پایداری را در کشورش برقرار سازد و با ارائه طرح‌های پیشنهادی به کشورهای پائین‌دست حوضه برای رشد و توسعه و نیز بهره‌گیری از فرصت‌های آن‌ها به منزله تبدیل آن به یک نیروی مسلط و قدرتمند در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس تلاش می‌کند (Ghorbani Sepehr and et al,2018:23). در نهایت، می‌توان اذعان نمود ارزیابی ترکیه به‌عنوان یک هیدروژمونی در حوضه دجله و فرات غیرقابل انکار نبوده و مفهوم هیدروژمونی در تقابل و همکاری میان کشورها این حوضه مشترک بر سر آب‌های فراملی تا حدود زیادی از میزان و اعمال قدرت کشور بالادست ناشی می‌شود.

۲-۶. هیدروپلیتیک پروژه گاپ

گاپ به زبان ترکی - استانبولی (Guneydogu Anadolu Projesi-GAP) موسوم به طرح جنگل می‌باشد و زمینه توسعه پروژه‌های سنگین آب در منطقه جنوب خاوری ترکیه را فراهم ساخته است. این پروژه یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌ها در نوع خود در جهان بوده که وسعتی حدود ۷۵/۳۵۸ کیلومتر مربع و شامل ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق‌آبی می‌باشد (Demir,2003:189-190).

این پروژه که بدون رضایت کنشگران کشورهای پایین‌دست (عراق و سوریه) انجام می‌شود، مزیت بزرگی را در کنترل آب‌های محوری رودخانه‌های دجله و فرات به ترکیه می‌دهد. سلیمان دمیرل، رئیس‌جمهور پیشین ترکیه در یک سخنرانی در سال ۱۹۹۴ م. اعلام می‌دارد که «ملت ترکیه با پایان تدریجی پروژه گاپ توانایی‌های خود را ثابت می‌کند. بنابراین گاپ، نماد پیشرفت تکنیک، مهندسی و کار ترکیه و همچنین نشان‌دهنده عزم ملت است. از این منظر، گاپ شاهکار جمهوری ترکیه است و قدرت خود را از ملت ترکیه می‌گیرد» (Allouche, 2020: 295).

از آنجا که پروژه گاپ در منطقه جنوب شرق آناتولی است و عمدتاً با مسأله کردها در این ناحیه مرتبط می‌شود. کردها به‌ویژه حزب گارگران کرد (PKK) بزرگ‌ترین مخالفان این طرح هستند. در واقع، ترکیه در اوایل دهه ۱۹۹۰، پروژه گاپ را «ابزاری مستقیم در مبارزه با تروریسم» می‌دانست (Warner, 2012: 238).

دولت ترکیه به دلایلی در رابطه با پروژه گاپ سعی دارد تا به اهداف بین‌المللی دست یابد. در این راستا، تلاش ترکیه برای ایفای نقش تسهیل‌کننده در اواخر دهه ۱۹۸۰ م. با مذاکرات صلح اولیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ م. با اسرائیل و سوریه بر سر پروژه آب صلح (پروژه ماناواگات) در این زمینه دو هدف را دنبال می‌کند: ۱. نشان دادن این‌که ترکیه مایل به همکاری بر سر مسائل آب بوده و به دنبال آن است؛ ۲. حمایت ایالات متحده آمریکا در اختلافات خود بر سر گاپ با همسایگان (Allouch, 2020: 296). صرف‌نظر از ابعاد فنی و اقتصادی - اجتماعی پروژه گاپ، این پروژه اگر چه به شکلی غیرسیاسی تصور، روایت و اجرا شده است، این پروژه همیشه یک طرح سیاسی بوده که پیامدهای سیاسی پیچیده‌ای را در مقیاس بین‌المللی در بر گرفته است. در اینجا با تأکید بر مسأله کردها که عاملی بسیار مهم در شکل‌گیری پویایی اشتراک آب در میان سه کشور ترکیه، عراق و سوریه نقش داشته، پس از شروع پروژه گاپ بر دامنه پیچیدگی این مسأله افزوده است. به طوری‌که ادعا شده این پروژه برای مقابله با خشونت کردها و مدیریت آن‌ها بوده است. به عبارتی یکی از اهداف این پروژه عظیم، ابزاری برای مبارزه با گروه پ.ک.ک از طریق استفاده از آب دو رودخانه دجله و فرات به‌عنوان ابزار چانه‌زنی برای وادار کردن سوریه و عراق به قطع حمایت از پ.ک.ک، تحول و ایجاد توسعه اجتماعی - اقتصادی کردها و استفاده از سدها به‌عنوان

موانع فیزیکی در برابر تحرک جغرافیایی گروه پ.ک.ک می باشد (Bilgen,2018:14-15). بنابراین، ترکیه در نظر دارد تا با احداث مجموعه‌ای از سدها و نیروگاه‌های برق‌آبی در قسمت علیای دو رودخانه مذکور بتواند اهداف زیادی را از جمله افزایش میزان درآمد و استانداردهای زندگی به افزایش تولید و اشتغال در بخش روستایی، ایجاد ثبات اجتماعی و رشد اقتصادی در ناحیه جنوب‌شرق آناتولی از یک‌طرف و سپس بر مسأله کردها از طرف دیگر محقق نماید (Akbari and Mashhadi,2019:311-312).

فرایند تکمیل سدها و نیروگاه‌ها پس از اشغال عراق توسط آمریکا، روند سریع‌تری را پیموده است. این مسأله با بروز جنگ داخلی ناشی از تسلط داعش در عراق باعث کم‌توجهی بیشتر بغداد به مسأله تکمیل پروژه گاپ در ترکیه توسط قدرت‌های جهانی شد که در ادامه زمینه برای قطع ارتباط آنکارا با بغداد را فراهم نمود. این پروژه می‌تواند ترکیه را به برتری موقعیت و استیلای حزب عدالت و توسعه نسبت به حزب رقیب یعنی حزب جمهوری‌خواه خلق تبدیل کند و افزایش درآمدهای سرانه اهالی استان‌های جنوب‌شرقی ترکیه، توسعه بازار کشاورزی ناحیه مذکور جهت صادرات به استان‌های دیگر و خارج از کشور، تأسیس نهادهای خدماتی، بهداشتی و درمانی متناسب با جمعیت فعال ناحیه در بخش کشاورزی و توسعه خطوط حمل و نقل را به دنبال داشته باشد (Explain Strategic Thinking,2018:9). در این بین، دولت سوریه در قبال طرح‌های آبی ترکیه که بر روی دو رودخانه دجله و فرات سازماندهی شده، احساس نگرانی می‌کند و پروژه گاپ را تهدیدی علیه منابع آب‌های خود تلقی می‌کند. حافظ اسد رئیس‌جمهور سابق سوریه با علم بر این‌که با توسعه طرح آبی گاپ در ناحیه جنوب‌شرق ترکیه ۴۰ درصد از جریان آب فرات به سمت سوریه کاهش خواهد یافت، آن را تهدیدی بر سیاست‌های این کشور در رابطه با امنیت غذایی می‌داند (Mohammadi and et al,2012:244). دولت سوریه تحت تأثیر استراتژی‌های هیدروپلیتیکی ترکیه در بخش علیای رودخانه‌های دجله و فرات قرار گرفته که در هر لحظه باید منتظر ارائه تصمیمات هیدروپلیتیکی آنکارا باشد. در تاریخ روابط و مناسبات هیدروپلیتیکی دمشق - آنکارا نشانه‌های آشکاری در رابطه با موضوع آب وجود دارد که همین مسأله روابط دو کشور را تیره کرده و حتی تا جنگ تمام‌عیار هم پیش رفته است. زمانی که

سوری‌ها در واکنش به اجرای پروژه گاپ، حمایت و پشتیبانی خود را از گروه پ.ک.ک تقویت نمودند. ترکیه در پی حمایت سوری‌ها از اقلیت کردها و واکنش‌های تندی را نشان داد و در نهایت نیروهای خود را به ناحیه جنوب‌شرق آناتولی گسیل کرد و در این میان تعداد زیادی از غیر نظامیان کشته شدند. بار دیگر در پی آبیگری سد آتاتورک این مسأله دوباره بروز کرد. مواضع ملی‌گرایی مبتنی بر پان‌ترکیسم که به صراحت در رفتار دولتمردان و سیاستمداران ترک نمود پیدا کرده، نتیجه رفتار دولت سوریه در حمایت از گروه پ.ک.ک بوده است که نه تنها بارها سوی دولت ترکیه این رفتار سوریه محکوم شده بلکه ترکیه تهدید کرده که در صورت ادامه روند فوق، آب رودخانه فرات بر روی سوریه خواهد بست (Rahimi Ashtiani, 2018:11). بنابراین، ترکیه از آب به‌عنوان ابزاری برای قدرت و فشار در چرخه مدیریت سیاسی در تقابل با سوریه حداکثر استفاده را کرده و سعی می‌کند تا مواضع خود را بر محوریت آب بر کشورهای پائین دست خود و حتی همسایگان فرامرزی تحمیل کند.

در روابط هیدروپلیتیکی ترکیه و عراق بر سر پروژه گاپ و اقدامات یک‌جانبه‌گرا ترکیه در حوضه دجله و فرات باعث شده تا به‌طور جدی میزان منابع آب‌های عراق کاهش یابد. دولت عراق برخلاف ترکیه، مدعی حق تاریخی بر بستر این دو رودخانه بوده و معتقد است که باید مسیر طبیعی هر دو رودخانه به مانند گذشته جریان داشته باشد. مشکلات هیدروپلیتیک عراق به دلیل عدم وجود دولتی یکپارچه و قوی بوده و موجب شده است تا قدرت چانه‌زنی هیدروپلیتیکی آن در برابر کشورهای بالادست حوضه کاهش یابد (Karami and et al, 2016:46-47). در حال حاضر با توجه به وضعیت منابع آب در کشور عراق که به حالتی نامتعارفی درآمده است، این کشور برای خروج از این وضعیت دو راه دارد که عبارتند از: ۱. نخست این که سیاست‌های آبی خود را در داخل سامان دهد. برای این کار لازم است تا یک سیستم آبیاری مناسب و یک شورای هماهنگ‌کننده برای نظارت مؤثر بر منابع آب‌هایی که بیهوده هدر می‌روند، تشکیل شود؛ ۲. دوم این که از طریق یک دیپلماسی فعال، روابط هیدروپلیتیکی خود را با همسایگان به‌ویژه با ترکیه بهبود بخشد و بر تسریع روند تشکیل یک اندیشه سیاسی همه‌گیر برای وحدت و همبستگی

میان ملت خود کوشا باشد. لذا عراق از این طریق می‌تواند درگیری‌های نیابتی داخلی را به راحتی در عراق سرکوب و از تحرک گروه‌های تروریستی جلوگیری کرد. از دیگر پروژه‌های ترکیه که هیدروهمزومنی ترکیه را در حوضه دجله و فرات نمایان می‌سازد، می‌توان به طرح‌های پروژه داپ در آناتولی شرقی، پروژه آناتولی مرکزی، پروژه اک‌گپ، پروژه توسعه ترکیه (تراگپ)، مرمره گپ، پروژه توسعه مدیترانه (آک‌دینز گپ)، پروژه توسعه غرب دریای سیاه (باک‌گپ)، پروژه توسعه شرق دریای سیاه (دُکاپ)، پروژه دشت قونیه (کوپ) اشاره کرد (Ghoreshi and et al,2020:317).

۳-۶. اهداف پروژه گاپ

از آن‌چه در مورد پروژه گاپ در روابط هیدروپلیتیکی سه کشور حوضه مشترک رودخانه‌های دجله و فرات به تحریر درآمد، لازم است تا مهم‌ترین اهداف این پروژه در این بخش ذکر شود:

۱. توسعه کشاورزی و آبیاری در ناحیه جنوب شرق آناتولی؛
۲. ارتقای کیفیت زندگی در ناحیه اجرای پروژه؛
۳. تأمین و تعمیم آموزش و خدمات بهداشتی برای اهالی ناحیه؛
۴. تولید نیروی برق آبی؛
۵. افزایش میزان درآمد ساکنان در ناحیه جنوب شرق آناتولی (Karami and et al,2016:39)؛
۶. جلوگیری از جدایی طلبی حزب کارگران کُردستان در ناحیه جنوب شرق آناتولی؛
۷. جذب و هضم اقلیت کردها در اکثریت ترک‌ها؛
۸. افزایش همزومنی خود در منطقه غرب آسیا؛
۹. جاذبه گردشگری و جذب توریسم؛
۱۰. ارتقای وزن ژئوپلیتیکی خود در منطقه؛
۱۱. تأمین آب آشامیدنی ناحیه جنوب شرق آناتولی؛
۱۲. ارتقای فرهنگ و توسعه ناحیه فقیرنشین جنوب شرق آناتولی (Rahimi Ashtiani,2018:14).

۴-۶. چالش‌های هیدروپلیتیک پروژه گاپ در حوضه آبریز دجله و فرات

پروژه گاپ در حوضه جغرافیایی دجله و فرات چالش‌های را به بار آورده است. به گونه‌ای که در الگوی رقابت و نزاع میان کشورهای منطقه، منجر به شکل‌گیری چالش‌های هیدروپلیتیک شده که با توجه به ضعف‌های مدیریتی و سیاست‌گذاری ملموس مدیریت آب توسط کشورهای پائین دست حوضه و بالعکس خودمحوری و خودتفسیری ترکیه در بالادست دو رودخانه فرامرزی مذکور باعث شده تا چالش‌های هیدروپلیتیک ناشی از پروژه گاپ در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی بروز کند. لذا، چالش‌های هیدروپلیتیک امروزه محصول تنش‌های ناشی از کمبود آب بوده که اگر به خوبی مدیریت نشود و یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه از نظر فنی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی تحت کنترل صورت نگیرد، همکاری و تعامل جای خود را به تقابل و تضاد می‌دهد و در نهایت چالش هیدروپلیتیک تبدیل به بحران ژئوپلیتیک خواهد شد (Chenari and et al,2017:61).

سدسازی‌ها و اقدامات هیدروپلیتیک ترکیه علی‌رغم اثرات زیست‌محیطی که بر مناطق پائین دست دجله و فرات داشته، آسیب‌های گسترده تری را بر پدیده رانش جمعیت و تأمین غذای آن‌ها به وجود آورده است. آثار سوء زیست‌محیطی ریزگردها در عراق و سوریه که در نتیجه احداث سد ایلیسو و کاهش دبی آب رودخانه دجله در عراق به وجود آورده است، چالش‌های هیدروپلیتیک ناشی از آن بر ابعاد اجتماعی و اقتصادی این کشورها اثر گذاشته است (Navari, 2019:161). موقعیت ایلیسو در استان ماردین و شیرناک و در ۱۵ کیلومتری غرب شهر دارگچیت و ۱۳ کیلومتری شمال غرب شهر گوجلوکوناک و در ۴۵ کیلومتری مرز ترکیه با سوریه قرار دارد که در سال ۱۹۹۶ م. بر روی رودخانه دجله احداث و شروع به آبیگری کرده است. این سد از نوع بتنی و ارتفاع آن حدود ۱۳۵ متر می‌باشد و تقریباً ۵ درصد از نیروی برق کشور ترکیه را تأمین می‌کند. به لحاظ اندازه و ابعاد چهارمین سد پروژه گاپ بعد از سدهای آتاتورک، کاراکایا و کبان محسوب می‌شود (Ghaem Maghami,2017:111). حجم آبیگری این سد حدود ۴۵ میلیارد متر مکعب می‌باشد (Akbari and Mashhadi,2019:313) (شکل ۳). به عبارتی این سد به سبب تبعات زیست‌محیطی که دارد موجب تولید ریزگردها و خشک شدن بسیاری از تالاب‌ها

از جمله تالاب هورالهویزه در عراق می‌شود که در نهایت منجر به چالش‌های زیست‌محیطی در عراق شده است. همچنین تخریب تالاب‌ها در هور مرکزی، هورالحماره و به‌ویژه هورالعظیم در عراق از دیگر اثرات سدسازی‌های ترکیه بوده که از عوامل اصلی گرد و غبار هستند (Hafeznia and et al, 2017:862; Navari, 2019:163). بدون تردید، کاهش جریان آب دجله در عراق باعث خشک شدن هر چه بیشتر تالاب‌ها در این کشور می‌شود و به تبع آن، کانون ریزگردها در عراق فعال شده و دامنه این طوفان‌ها زندگی نواحی غربی و جنوب‌غربی کشورمان را متأثر می‌کند (Islamic Consultative Assembly Research Center, 2017:22) (شکل ۴).

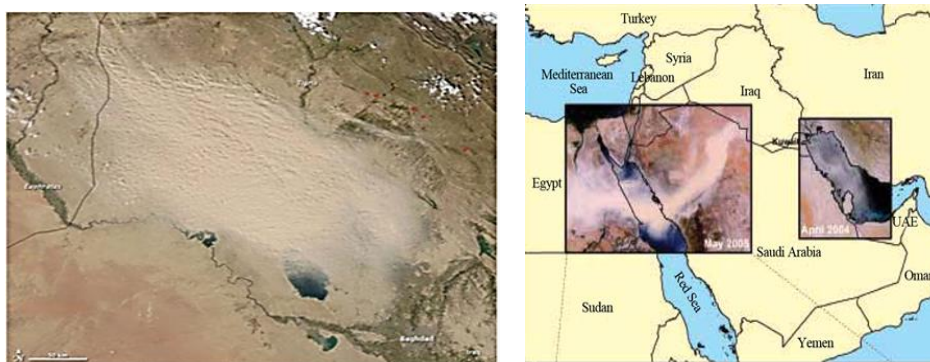
پروژه گاپ، نه تنها موجب تشدید دامنه تنش‌های داخلی در درون کشورهای این حوضه فرامرزی بر سر حق‌آبه‌ها شده بلکه بر دامنه چالش‌های هیدروپلیتیکی میان کشورهای منطقه نیز افزوده است. در رابطه با پیامد بخش اول برای نمونه می‌توان به تنش‌های میان آربیل و بغداد در درون ساختار کشور عراق اشاره کرد. به لحاظ امنیت غذایی در سوریه حدود ۷۵ درصد از کشاورزان محصولات خود را از دست دادند که در نتیجه تا سال ۲۰۱۰ حدود یک میلیون نفر سوری از موطن خویش مهاجرت کرده‌اند (Explain Strategic Thinking, 2018). بنابراین، پیامد این مسأله وجود کشاورزی ناپایدار و نامتعارف است که پروژه گاپ بر آن دامن زده است و پتانسیل کشاورزی را در کشورهای پائین دست حوضه دچار تهدید کرده و هزاران نفر در عراق و سوریه به دلیل عدم دسترسی به آب و کشاورزان به دلیل خشکسالی‌ها زمین‌های خود را ترک کرده‌اند (AI-Ansari, 2016:140). این وضعیت باعث بروز برخی تنش‌ها در روابط هیدروپلیتیکی کشورهای این حوضه شده و در آینده نزدیک ممکن است جنگ‌هایی را بر سر چگونگی تقسیم و توزیع آب از بالادست به سمت پائین ایجاد شود.

در کل، یکی از اصول مهم و پایدار حقوق بین‌الملل محیط زیست معاصر، اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع است که کشورهایایی که از جریان منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی مشترک برخوردارند به حفاظت، استفاده و تقسیم منصفانه و معقول از آن متعهد می‌کند و اصل خودداری از وارد آمدن آسیب قابل‌توجه به کشورهای دیگر از اصول اولیه حقوق بین‌المللی است (Dupuy, 2000:630). بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل، انحراف جریان آب رودخانه‌ها

توسط دولت بالادست رودخانه به زیان دولت پائین‌دست رودخانه ممنوع است (Valdani Jafari,2017:342) زیرا منجر به ایجاد چالش هیدروپلیتیکی می‌شود. بنابراین، هیچ دولتی حق و یا اجازه ندارد که شرایط طبیعی سرزمین خود را به زیان دولت همسایه خود تغییر دهد (Hall, 1924:175). در نهایت، می‌توان استنتاج نمود که چالش‌های هیدروپلیتیکی ناشی از پروژه گاپ در حوضه دجله و فرات بیش از آن که متأثر از موقعیت بالادستی و پائین‌دستی هر کدام از کشورهای ساحلی حوضه باشد، از اعمال قدرت و فشار توسط کشور هیدروهمژمون ترکیه بوده که بر پیچیدگی مسأله آب با سیاست و قدرت در غرب آسیا افزوده است.



شکل (۳): موقعیت سد ایلسو یکی از سدهای پروژه گاپ در ترکیه (Source:Sattari,2017:4)



شکل (۴): نمای هوایی از طوفان‌های گرد و غبار در جنوب‌غربی عراق (Source:Al-Ansari,2016)

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

حوضه دجله و فرات در غرب آسیا به‌عنوان منبع اصلی آب سطحی مشترک میان سه کشور ترکیه، سوریه و عراق جریان دارد که کشورهای این حوضه اغلب به‌دلیل اتخاذ سیاست‌های خودمحوری که در تقابل با یکدیگر بهره‌جسته‌اند، موجب شده تا آب و قدرت دو مولفه مهم بدون توجه به آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از آن مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بنابراین، کشورهای حوضه درصدد آن هستند که با استفاده از ابزار قدرت خود (سیاسی، اقتصادی و نظامی) برای افزایش دسترسی به آب این دو رودخانه استفاده کنند. از این رو، اقدامات و پروژه‌های یک‌جانبه‌گرای کشورهای حوضه موجب شده تا بر دامنه تنش‌ها و مشکلات افزوده شود و از پیامدهای آن می‌توان به عدم تعامل و همکاری میان کشورهای حوضه اشاره نمود که تاکنون هیچ توافقی مبنی بر تقسیم عادلانه آب میان آن‌ها صورت نگرفته است. در حال حاضر، ترکیه نیز به‌عنوان کشور هیدروژموم در بالادست دو رودخانه فرامرزی دجله و فرات از وضعیت کنونی سوریه و عراق نهایت استفاده را کرده و با احداث پروژه عظیم گاپ که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اقدام هیدروپلیتیکی منطقه‌ای ترکیه در این حوضه به‌شمار می‌رود، موجب شده تا توان هیدروژمونی خود را تقویت کند و بر این اساس انتظار می‌رود که ترکیه کنترل خود بر آب دو رودخانه فرامرزی دجله و فرات را طی سال‌های آینده نیز تداوم بخشد.

برگ برنده ترکیه هنگامی صادر شد که این کشور از ذخیره آب برای دستیابی به قدرت استفاده کرد و بر این رویکرد نیز اعتقاد داشت. بر این اساس، به‌نظر می‌رسد که سیادت‌طلبی ترکیه به‌عنوان هیدروژموم برای تسلط بر منابع آب‌های دجله و فرات، عدم برنامه‌ریزی استراتژیکی بدون برای مدیریت یکپارچه منابع آب‌های حوضه و همچنین تغییرات در سیاست‌های خارجی و داخلی هر کدام از کشورهای حوضه موجب شده است تا همکاری میان این کشورها به‌عنوان یک انگیزه مطرح نشود و چالش‌های هیدروپلیتیکی متعددی آن متوجه کشورهای پائین‌دست حوضه یعنی سوریه و عراق به‌صورت مستقیم و ایران به‌صورت غیرمستقیم گردد. در نهایت ترکیه درصدد آن است تا از پروژه گاپ بر حس ملی‌گرایی اقلیت کردها در جنوب شرق کشورش

غلبه کند و بتواند امنیت ملی خود را ارتقا دهد. لذا، این پژوهش به منظور ارائه و جایگزین‌سازی همکاری و تعامل به‌جای تقابل و تنش در حوضه، پیشنهادهای را طرح می‌نماید که عبارتند از:

۱. تقویت دیپلماسی آب با رویکرد مصالحت‌آمیز در روابط

هیدروپلیتیکی منطقه؛

۲. تغییر نگرش نظامی و امنیتی به موقعیت رودخانه‌های دجله و فرات به رابطه تعاملی و همکاری در حوزه‌های اقتصادی، گردشگری و تقویت عوامل همگرایی موجود در منطقه؛

۳. استفاده و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و ذخایر موجود در منطقه جهت تقویت هماهنگی و

همگرایی؛

۴. تشکیل شورای هماهنگی حقوق آب برای مصرف آب و تعیین میزان هر کدام از

کشورهای با توجه به ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و نیازهای آبی موجود در منطقه.

۵. تأکید بر دیپلماسی آب و نیز ایجاد «سازه ژئوپلیتیکی آب‌پایه» از طریق تداوم دیپلماسی

بهینه در این حوضه.

References

1. Abdi, A. (2008). The effect of hydropolitics on the transformation of the approaches of extra-regional powers, *Quarterly Journal of Defense Strategy*, Year 6, No. 20, Summerf, pp. 107-130. **[In Persian]**
2. Akbari, N.; Mashhadi, A. (2019). Environmental Threats and Commitments of the Turkish Government in the Implementation of the Gap Project on Environmental Impacts in Iran (Dust), *International Law Journal*, No. 61, Fall-Winter, pp. 311 -351. **[In Persian]**
3. Al-Ansari, N. (2016). Hydro-Politics of the Tigris and Euphrates Basins, published by Engineering, Vol.8, No.3, 2016.
4. Allouche, J. (2020). Nationalism, Legitimacy and Hegemony in Transboundary Water Interactions, *Water Alternatives* 13(2), Volume13, 286-301.
5. Brethaut, Ch; et al. (2021). Exploring discursive hydropolitics: a conceptual framework and research agenda, *International Journal of Water Resources Development*. pp 2-16.
6. Bilgen, A. (2018). Turkeys Southeastern Anatolia Project (GAP): a qualitative review of the literature, *British Journal of Middli Eastern Studies*, pp 2-20.
7. Beer, F. A.; Hariman, R. (2012). Realism and rhetoric in international relations. In *Post-realism: The rhetorical turn in international relations* (pp. 1-30). Michigan State University Press.
8. Chenari, S; Vasegh, M; Farnam, Z. (2017). The Role of management Structures in Creating Hydropolitical Challenges Due to Water Transfer in Iran, *Political Geography Research Neighborhood*, Year 2, Issue Day, Fall.
9. Conker, A. (2014). An enhanced notion of power for inter-state and transnational hydropolitics: An analysis of Turkish-Syrian water relations and the Ilisu Dam conflict between the opponents and proponents of the Dam (Doctoral dissertation, University of East Anglia).
10. Darvishi Blourani, A. (2018). Should we be worried about dust storms in the Tigris and Euphrates catchment? Select Publishing, University of Tehran **[In Persian]**
11. Demir, E. (2003). the Contribution of the Southeastern Anatolian Project to the Domestic EcoNomy and Its Effect on The Settlements Areas, *GÜ, Gazi Eđitim Fakültesi Dergisi*, Cilt 23, Sayı 3 (2003) 189-205.
12. Dupuy, P.M. (2000). *Lesgrands textes de droit international Public*, Zed. Dalloz, Paris, (2000), P630.
13. Elhance, A. (2000). *Hydropolitics: Grounds for Dispair, Reasons for Hope*, Vol. 5, No.2, pp.201-222
14. Ezzati, E.; Khezri, M. H.; Nik Farjam, M. (2011). An Analysis of the Hydropolitics of Eastern Iran, *Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography*, Fourth Year, First Issue, Winter, pp. 95-113. **[In Persian]**

15. Ghorbani Sepehr, A.; Janparvar, M.; Reza Mirehkari, M. (2017). A Realistic Approach to Southwest Asia Hydropolitics, Proceedings of the Conference on Water Diplomacy and West Asia Hydropolitical Opportunities. **[In Persian]**
16. Ghorbani Sepehr, A.; Sultan Mohammadi, Z.; Ansari, Z. (2018). An Introduction to the Hydropolitics of the Persian Gulf Region, Specialized Quarterly of Persian Gulf Studies, Fourth Year, Third Issue (15 in a row), Winter, pp. 16-25. **[In Persian]**
17. Ghaem Maghami, S. A. (2017). Water Crisis and Transboundary Waters of Turkey and National Environmental Security of Iran, Quarterly Journal of National Interest Studies, Second Year, No. 7, Spring, pp. 97-117. **[In Persian]**
18. Ghoreishi, S.Z; Mianabadi, H; Mousavi Shafaei, M. (2019). The Role of Power in Iranian Water Diplomacy, Year 15, Issue 2, Summer, pp. 242-264. **[In Persian]**
19. Ghoreishi, S. Z.; Mianabadi, H; Hajiani, E. (2020). Analysis of the dimensions of hydraulic mission in Turkish hydropolitics, Iran Water Resources Research, Year 16, Issue 1, Spring. **[In Persian]**
20. Hafeznia, M. R. (2014) Principles and Concepts of Geopolitics, Mashhad, Papli. **[In Persian]**
21. Hafeznia, M. R.; Taheri, A.; Farajzadeh Asl, M.; Karaminejad, H. (2017). The effect of political factors in intensifying the phenomenon of dust in the Tigris and Euphrates River basins, Geopolitics Quarterly, Volume 12, Number 4, Winter, pp. 13-38. **[In Persian]**
22. Hall, W.E. (1924). Int'l Law, Pearce Higgins, Oxford.
23. Hommes, L; Boelens, R; Maat, H. (2016). Contested hydrosocial territories and disputed Water governance: Struggles and competing Claims Over the Ilisu Dam Development in southeastern Turkey, Geoforum 71: pp 9-20.
24. Jafari Valdani, A. (2017). Geopolitical issues of the Persian Gulf, Mizan, first edition, Tehran. **[In Persian]**
25. Kamran, H; Yari, E; Abedi, M. (2017). Environmental Security and National Security of Iran in the Context of Border Hydropolitical Developments; Case Study: Harirod, Geography, Association - New Year Fifteenth, No. 52, Spring, pp. 305-328. **[In Persian]**
26. Karami, A; Hassanzadeh, J; Pishgahi Fard, Z. (2016). The effect of hydropolitics on Iraq-Turkey relations with emphasis on the Tigris and Euphrates, Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World, Geopolitics Quarterly, Fifth Year, No. (17), Spring. **[In Persian]**
27. Kaviani Rad, M. (2005). Hydropolitical Relations between Iran and Afghanistan, Quarterly Journal of Strategic Studies, Year 8, Issue 2, Summer, Serial Number 28. **[In Persian]**
28. Kaviani Rad, M. (2019). Hydropolitics of Straits and Approaches, Research Institute for Strategic Studies, Tehran, 271 pages. **[In Persian]**

29. Konyshv, V. N. (2020). Neoclassical Realism in the Theory of International Relations. *Polis. Political Studies*, 4(4), 94-111.
30. Lomia, E. (2020). Political Realism in International Relations: Classical Realism, Neo-realism, and Neo-Classical Realism. *International Journal of Social, Political and Economic Research*, 7(3), 591-600.
31. Moradi Tadi, M.R. (2017). Water and politics; A Look at the Process of Water Politicization, *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 9 (4), 71-90, Fall. **[In Persian]**
32. Mojtahedzadeh, P. (2002). *Political Geography and Geographical Politics*, Samat Publications, Tehran. **[In Persian]**
33. Moshirzade, H; Talebi Arani, R. (2011). *Theories of International Relations*, Tehran: Mizan Publications. **[In Persian]**
34. Mollinga, P.P (2001). Water and Politics, rational choice and south Indian canal irrigation, *futures*, N33.
35. Mokhtar Heshi, H. (2013). Hydropolitics of Iran; Geography of Water Crisis on the Horizon of 1404 F, *Geopolitics Quarterly*, Year 9, Issue 3, Fall, pp. 83-49. **[In Persian]**
36. Mokhtar Heshi, H; Ghaderi Hajat, M. (2008). Middle East Hydropolitics on the Horizon of 2025 AD, A Case Study of the Tigris and Euphrates Basins, Jordan River and Nile River, *Geopolitics Quarterly*, No. 1, Spring, pp. 36-74. **[In Persian]**
37. Mohammadian, A; Rezaei, A. (2016). The Evolution of the Concept of Diplomacy in International Relations, *Geopolitics Quarterly*, Year 5, Issue 1, Autumn and Winter, pp. 105-127. **[In Persian]**
38. Mohammadi, H.R; Mirzaeipour, T; Hosseinpour Pouyan, R. (2012). Hydropolitical spatial analysis of the Tigris and Euphrates basins, *Geopolitics Quarterly*, New Volume, Tenth Year, No. 35, Winter. **[In Persian]**
39. Mianabadi, H; Amini, A. (2019). The entanglement of water, politics and environment in the Tigris and Euphrates catchments, *Geopolitics Quarterly*, Year 15, Number 2, Summer, pp. 54-86. **[In Persian]**
40. Mianabadi, H.; Ghoreishi, S. (2022). Realism and Liberalism Paradigms in Hydro-political Interactions. *Geopolitics Quarterly*, 18(65), 150-186. **[In Persian]**.
41. Murakami, M. (1995). *Managing water for Peace in the Middle East: Alternative strategies*, United Nations University Press. Tokye.
42. Navari, A. (2019). Operation of Ilisu Dam in Turkey and International Water Law Standards, *Quarterly Journal of Public Law Research*, 21st year, No. 63, Summer. **[In Persian]**
43. Rad Goodarzi, M; Safari, A. (2017). Water Crisis in Center Asia and International Institutions, *Central Asia and Caucasus Quarterly*, No. 100, Winter, pp. 89-118 **[In Persian]**

44. Research Center of the Islamic Consultative Assembly (2017). Dust storms in the west and southwest of the country, causes, origin, centers and forecast of the future situation, June, serial number 15416. **[In Persian]**
45. Rahimi Ashtiani, D. (2018). Water, Security and West Asia, Abrar Allameh Cultural-Studies and Research Institute, Tehran, November. **[In Persian]**
46. Sinaye, V. (2011). Hydropolitics of Security and Development of Water Cooperation between Iran, Afghanistan and Turkmenistan, Quarterly Journal of Foreign Relations, Third Year, Second Issue, Summer, pp. 185-211. **[In Persian]**
47. Sinaye, V; Jamali, J. (2018). Economic Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in Afghanistan and Management of Water Disputes between the Two Countries (Using the Institutional Economic Approach) pp. 69-93. **[In Persian]**
48. Sattari, M.T. (2017). A Study of the Regional Impacts of Turkish Water Resources Development Projects, A Case Study of the Gap and Ilisu Dam Project, Public Policy Studies Network, Political Article **[In Persian]**
49. Turton, A. (2001). Towards Hydro solidarity: Moving from resource capture to Cooperation and alliance. Keynote address at the Stockholm International Water Institute (SIWI) Symposium on Water Security for Cities, Food, and Environment. Stockholm 18 August.
50. The role of the Zionist regime in the construction of dams in Turkey (2018). Explanation of strategic thought, collection of strategic reports, July. **[In Persian]**
51. Warner, J; Zeitoun, M. (2008). International relations theory and water do mix: A response to Furlong's troubled water, hydrohegemony and international water relations. Political Geography 27 (2008), pp 802-810.
52. Wouters, P. (2013). International Law-Facilitating Transboundary Water Cooperation, Published by the Global Water Partnership, No. 17.
53. Warner, J.F. (2008). Contested hydrohegemony: Hydraulic control and security in Turkey, Journal Water Alternatives, Vol.1, Issue number 2, pp271-288.
54. Warner, J. (2012). The struggle over Turkey's Ilisu Dam: domestic and International Security Linkages, International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics, Springer, Vol. 12(3), pp231-250.
55. Yildiz, D. (2018). The Peece Water Pipeline and innovative hydro diplomacy. World Water Diplomacy & Science News 3(4):1-9.
56. Zaki, Y; Delshadzadeh, J; Karimi, B. (2015). Study and hydropolitical analysis of international rivers with emphasis on the Aras border river, Quarterly Journal of Military and Security Geography, First Year, First Issue, Spring, pp. 36-65. **[In Persian]**

57. Zaki, Y; Asadollahi, S.S. (2020). Hydropolitics of the Turkish Gap Project and its Impact on Environmental Security in Iraq and Syria, Quarterly Journal of Political Planning, Vol.3, Num.1, Winter. **[In Persian]**
58. Zeitoun, M.; Warner, J. (2006). Hydro-hegemony—a framework for analysis of trans-boundary water conflicts. Water Policy, 8(5), 435-460.

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

